

## تخریب بافت تاریخی قم از پهلوی ها تا روزگار ما

سید محسن محسنی \*

### چکیده

نگارنده بر آن است که ترکیب پیوسته دوران اسلامی شهر قم در زمان پهلوی دچار تعویض یا تخریب و در نتیجه پارگی و گسیختگی شد. به عنوان مقدمه این نوظللی را که در زمان قاجار به عنوان نوآوری مطرح شد توضیح می دهد و این تحولات پیشروانه را که در چند مرحله انجام شد با مستندات بیان می دارد، که شامل احداث اماکن رفاهی و جاده ها و بازارها بود.

نگارنده ده محله قدیمی قم را به تفصیل می شناساند که اکنون از آنها فقط نامی برجای مانده و تبدیل آنها به خیابانهای جدید را با تطبیق بر محله های قدیم نشان می دهد. تخریب بافت قدیم در دوره پهلوی را، بر اساس اسناد دولتی، گزارش های جهانگردان، تاریخ شفاهی و خاطرات کهنسالان، تصاویر و نقشه های موجود و دیگر مستندات، توضیح می دهد. آنگاه به برخی از این برنامه های توسعه انتقاد می کند.

### کلیدواژه ها

تاریخ قم - دوره پهلوی؛ تاریخ قم - دوره قاجار؛ قم - مراکز رفاهی و جاده ها؛ قم - تاریخ قدیم؛ تاریخ قم - اسناد و گزارش ها.

\* سندپژوه و پژوهشگر در زمینه قم شناسی.

## مقدمه / پیشانه

در شمارهٔ پیش مجلهٔ گرانسنگ میراث شهاب در گفتاری با عنوان «میدان نو از دیرینه زمان تا این دوران»، روند تشکیل شهر قم را از ابتدا تا پایان دوران قاجار، بر مبنای متون و اسناد تاریخی و مشاهدات میدانی بررسی و تحلیل کردیم. در آن نوشتار دیدیم که دیه‌های پراکندهٔ باستانی در منطقهٔ قم، بعد از دفن حضرت معصومه (ع) در شرق رودخانه، در محور شرق به سوی غرب، پیوسته می‌شوند. نقطهٔ شروع این پیوستگی را محلهٔ رضاییه و نقطهٔ پایانی را دروازهٔ معصومه بر لب پل علیخانی و در واقع بر لب رودخانهٔ گلفشان / اناربار / لعل رود دانستیم. در آن سوی رود نیز در اواسط دوران قاجار چندین بنای عمومی و یک سکونتگاه محله‌ای (محلهٔ محمودیه) شناسایی کردیم. لیکن تا اواسط دوران پهلوی اول که سیل سهمگین ۱۳۱۳ش اتفاق افتاد و مرحوم آیت الله حائری مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم، گروهی از جمعیت سیل زدگان را در آنجا اسکان داد، شهر به شکل جدی بدان سوی غرب رودخانه پیش نرفت. از همین رو در تقسیمات محله‌ای که در متن‌های قاجاری می‌بینیم، قم به ده محلهٔ اصلی تقسیم و معرفی می‌شود، ده محله‌ای که همگی در شرق رودخانه و در واقع در شرق شهر استقرار یافته‌اند. گویی آنچه از مردمان شهر در غرب سکونت داشته‌اند، چندان نبوده‌اند یا چندان اهمیتی نداشته‌اند که در تقسیمات محله‌ای در آن دوران بگنجانند. هرچند در متن‌های پسینی، یکی از محلات دیگر شهر در این سوی یعنی در طرف غرب شهر و در واقع غرب رودخانه با عنوان‌های «ابرقو» یا «شهر نو» معرفی شد. نگارنده در این گفتار نیز، از هم‌گسیختن شهر پیوستهٔ دوران اسلامی را بر اساس متن‌های متأخر و روایات کهن سالان و عکس‌های هوایی و مشاهدات میدانی که از دوران پهلوی تا روزگار ما ادامه یافت، را بررسی و بیان می‌کند.

به عبارت دیگر آنچه تا پایان قاجار، در شرق قم به هم پیوسته می‌گردد و شکل می‌گیرد - و ما آن را در مبحث میدان نو تعریف کردیم - از زمان پهلوی‌ها تا دوران ما، دچار پاره‌گی‌های متعددی می‌شود. نوشتهٔ حاضر در واقع این پاره‌گی‌ها و گسیختن‌ها را تعریف می‌کند. البته اندکی انحراف در خصوص خیابان‌کشی‌های غرب شهر خواهیم داشت. این از هم‌گسیختگی‌ها می‌تواند زیر عنوان‌های «تجدد آمرانه» یا «نوسازی شهر» یا «توسعهٔ شهر» یا

«تخریب بافت تاریخی» یا هر عبارت دیگری، برحسب ذوق یا دیدگاه و علایق پژوهشگر نام یابد. نگارنده عنوان «تخریب بافت تاریخی قم» را ترجیح می دهد. چه آن گونه که دریافت، طراحان و اقدام کنندگان گسیختن بافت کهن، هیچگونه درکی از سابقه تاریخی امر نداشتند. اینکه برشهای ایجاد شده که بیشتر به صورت خیابان خود را نمایاند، اجتناب ناپذیر بوده است یا خیر؟ نیاز به پژوهشی جدا و جدی دارد. نویسنده این سطور بدون این که با تحول یا مدرن سازی مخالفت کلی داشته باشد، بر مبنای دیدگاه و علاقه اش، دوست می دارد یا می داشت که این بافت ایکاش هیچگاه شکافته نمی شد. و البته آنچه امروز توسعه می گویم در جای دیگری اتفاق می افتاد. آرزوی نویسنده وجود دو شهر مدرن و کهن به شکل مسالمت آمیز و دلپذیر در کنار هم بود. نه آن که بعضا معجونی از کهنگی و فرسودگی و بهم ریختگی و باستان بودگی / تاریخ بودگی و نوشدگی و مدرن سازی به صورت ناهماهنگ و چشم آزار در پیش رو دیده شود. هر چند نوشته ای که مدعی تحقیقاتی بودن است جای بیان آرزو و احساسات نیست و باز البته نگارنده در این آرزو تنها نیست. یکی از قمی های قدیمی و فاضل که در دوران پهلوی به عنوان دیپلمات در دوران پهلوی تا مقام سفارت در چند کشور خارجی خدمت کرده بود، افسوس خود را از تخریب محله زادگاهش که با نام عاریتی «پنج تن» (نام واقعی گویا پنجعلی) از آن نام می برد، چنین بیان می کند.<sup>۱</sup>

«محله پنج تن را سالها پیش برای احداث یک خیابانی زشت و بی قواره ویران کردند، آن مسجد رو با انگیز روحانی، آن سقاخانه با تکیه پربرکتش، آن گذرگاههای پررفت و آمد با عطر نانوائی ها و خوراکیهای رنگین، دکان استاد اسماعیل، کارگاه استاد جعفر آهنگر، قهوه خانه آسید جلال، همه تبدیل به آوار شد و روی هم فروریخت و به جای تمام آنها یک خیابان بی هویت مثل همه خیابان هایی که در بیشتر شهرهای ایران احداث کرده اند، یعنی دو ردیف دکان با درهای کرکره ای و چند لامپ نئون جای آنها را گرفت. این هم از دردهای بیدرمان ما ایرانی هاست که نه نوآور، بلکه نوظلب شده ایم، آن هم نوظلبی بی هدف و بی آرمان، همه چیز را خراب می کنیم تا نوسازی کنیم، ولی ای کاش به جای بسیاری از این نوسازیها

۱ شورآباد در عنوان کتاب نام مستعار شهر قم است



به همان خراب کردن اکتفا می‌کردیم. نمی‌دانم کدام یک از شرق شناسان است که می‌گوید ایرانی‌ها به هیچ چیز خود وفادار نیستند. اگر این اظهار نظر در هیچ موردی اعتبار نداشته باشد، تصور می‌کنم در باره آثار تاریخی و هنری ما معتبر است، چنانچه غیر از این بود، این همه بناهای ارزشمند تاریخی و هنری خود را از بین نمی‌بردیم و به جای آنها فواره و آب نما نمی‌ساختیم»<sup>۱</sup>

نکته این است او که خود شهرهای مدرن اروپا را دیده و در آن‌ها اقامت داشته و طبعاً آگاه از مزایای آن شهرها بوده است، نمی‌تواند دریغ و افسوس خود از ویرانی محله زادگاهش را به بهانه احداث خیابانی جدید بیان نکند. آن هم در دروان بازنشستگی و پختگی.

در این نوشته، تاریخ‌ها پاره‌ای هستند و تعدادی به صورت تقریبی است. اگر می‌خواستیم آنچه در پیش رو خواننده می‌شود تمام هستند و کاملاً دقیق باشد، شاید این نوشته هیچگاه قابل عرضه نبود و یا با صرف مدت طولانی و زحمات زیاد حاصل می‌شد، چیزی که فعلاً برای نویسنده امکانپذیر نیست. از همین رو بنا به قاعده «آنچه شدنی است را نباید به خاطر آنچه ناشدنی است از دست فرو نهشت»<sup>۲</sup> این مقدمات قلمی شد. بدون شک این نوشته هم بی ایراد نخواهد بود. از همین رو نگارنده دست یاری خواهی به سوی اهل نظر و آگاهان و مجموعه داران و دستگاهای دولتی و عمومی دراز می‌کند تا بتواند در مجال‌های دیگر آن را بدون ایراد کمتر و دقیق تر به دست دوستداران این گونه مباحث - و البته با نقشه‌ها و تصاویر لازم - برساند. گفتنی است که این یادداشتها پیشتر در کانل عمومی بنیاد قم پژوهی نشر شد، لیکن نوشته حاضر به مراتب دقیق تر و مستندتر و گسترده تر است.

### تحولات پیشروانه در دوران قاجار

در زمان قاجار دو تحول توسعه‌گرایانه، و یا بهتر بگوییم پیشروانه در قم رخ داد: یکی در زمان فتحعلی شاه که نذر کرده بود اگر به پادشاهی برسد به حرم مطهر حضرت معصومه (ع) و شهر قم خدمت کند. وی به همین منظور تعمیرات اساسی در حرم انجام داد. از جمله زرین

۱ روزگاری در شورآباد، ۱۵۶-۱۶۷، نشر البرز، چاپ دوم ۱۳۷۷، چاپ اول ۱۳۶۹.

۲ ما لا یدرک کله لا یتدرک کله

کردن گنبد حضرت معصومه (ع) - هر چند نگارنده شاهدی بر طلایی شدن گنبد پیش از این دیده است - و هم چنین بازسازی مدرسه فیضیه و دارالشفای قم. او به همین جهت مقبره‌ای هم در حرم برای دفن خود ترتیب داد و پس از مرگ در همان جا به خاک رفت. سنگ قبر عظیم و هنری او هم - که کنون در موزه آستانه نگهداری می‌شود - مشهور تر از آن است که در باره آن بنخواهد صحبتی شود.

دیگری در زمان ناصرالدین شاه، که میرزا ابراهیم خان امین السلطان و پس از وی پسرش صدراعظم کوتاه قامت و مقتدر بعدی یعنی میرزا علی اصغر خان امین السلطان که به دلیل علایق دینی و ملکی و دفن مادرش در حرم مطهر، اقدامات بسیار گسترده‌ای در شهر قم و پیرامون آن کرد که شرح و بررسی آن به چند تحقیق مستقل نیاز دارد. ملا عباسعلی کیوان قزوینی می‌گوید او یک صدتن از نامی‌ترین هنرمندان کشور را به همین منظور با خود همراه داشت که استاد حسن معمار قمی یکی از برجسته‌ترین هنرمندان هزاره اخیر ایران از آن زمره است.<sup>۱</sup> موجز اقدامات او چنین است:

۱. احداث جاده‌ای جدید و شوسه و کالسکه رو از تهران تا قم، که از کنار املاک او می‌گذشت. البته انتقاداتی به او وارد شده که جاده کهن ری - قم را که هفت فرسخ نزدیک‌تر بود عمداً به آب بست، تا مسافران از این راه جدید عبور کنند و املاک وی بها و رونق گیرد؛ جاده‌ای که تا امروز نیز از آن استفاده می‌شود. (جاده قدیم قم - تهران)
۲. ایجاد اماکن رفاهی و مهمانسراهای متعدد در بین راه به سبک اروپا. چه او به همراه شاه اینگونه مکان‌ها را در اروپا دیده بود و آرزومند گردید که آنها را در ایران نیز اجرایی کند. حتی وی به آسیای شرقی از جمله ژاپن هم سفر کرده و بی‌شک این سفرها بر او تأثیر گذاشته بود.
۳. ساخت نخستین مهمانخانه مدرن قم، باز هم به سبک اروپا یا به تعبیر امروز احداث اولین هتل پرستاره یا ستاره دار قم به نام «مهمانخانه مهندسیه» و گویا بعد از مهمانخانه قزوین دومین مهمانخانه مدرن ایران بوده است.
۴. نقش بسیار مؤثر در احداث و تکمیل بازار نو یا بازار بزرگ قم و به عبارت بهتر تکمیل توسعه شرقی - غربی شهر که از دوره اسلامی در شهر قم آغاز شده بود، به سمت حرم مطهر.

۱ قم دیروز و امروز، ۱۸۲



تیمچه بزرگ و شاهکار معماری تاریخی ایران با معماری استاد حسن معمار قمی و سرای صدر اعظم - به نام خود او - در همین محور ایجاد گردید. این بازار بر اساس دلایل متنی (سندی) و کالبدی در دوره قاجار احداث شد و در ادامه بازار کهنه تا پل کهن علیخانی و لب رودخانه در واقع حرم امتداد داده شد.

۵. احداث صحن نو / بزرگ / اتابکی / آینه / آمینیه باز هم با معماری استاد حسن که شاه بیت اقدامات او محسوب می‌شود. انسان از حضور در این فضای معنوی و زیبا و متناسب با صحن عتیق و بقیه بیوتات حرم - تأکید می‌کنم متناسب با بقیه ساختمان‌های حرم - سیراب نمی‌شود. امری که با تأسف و به عقیده نگارنده، در توسعه‌های جدید رعایت نشده است.

نقطه پایان اقدامات او با کشته شدنش به دست عباس آقا تبریزی و دفن وی در حرم مطهر همان جایی که استاد حسن به خاک رفته بود، رقم خورد. البته بعدها فرزندان او از جمله «خانم مشیر اعظم» املاکی چند در این شهر را جهت امور خیر وقف کردند.

در اقدامات ذکر شده هر چند تخریب‌هایی جزئی، قاعدتا به منظور بازسازی و بهسازی صورت گرفت. از جمله تخریب قسمتی از قبرستان بابلان به جهت احداث صحن نو که با مخالفت علما روبرو شد:

«دیگر از بناهای او، صحن جدید امین السلطانی است که در سمت شرقی مضجع مطهر فاطمه معصومه علیها سلام الله واقع است. در روز یازدهم محرم الحرام سنه یک هزار و دو بیست و نه به امر آقا ابراهیم آبدار باشی، ملقب به امین السلطان، نقشه او را کشیده دست به حفر پایه های او زده، چون آن مکان قبرستان و زمین او مرتفع بوده سه ذرع خاک او را برداشته به این جهت جمیع امواتی که در آن مکان مدفون بودند استخوان آنها بیرون آمد علمای قم این کار را منع نمودند، از جانب حضرت شاهنشاه احکام سخت بر آبادی صحن آمده علماء نتوانستند مانع شوند»<sup>۱</sup>

لیکن کارهای انجام شده متناسب و متجانس با بافت تاریخی شهر و به اصطلاح امروز بسیار کارشناسانه و مهندسانه بود. به عبارت بهتر شهر زیباتر و دلپذیرتر گشت.

۱ تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم، ۱۶۲.

از اقدامات صدرالممالک اردبیلی در دوران محمد شاه قاجار که او هم شیفته قم و حرم حضرت معصومه (ع) بود در این گفتار یاد نشد؛ چه اقدامات او، در خارج شهر آن زمان صورت گرفت. هر چند به دلیل مغضوب واقع شدن و سپس مرگش نتوانست آنگونه که طراحی کرده بود، این اقدامات را به فرجام برساند. جویندگان را به مقاله «صدرالممالک اردبیلی و موقوفه نصرت آباد قم» با عنوان فرعی قلعه صدری<sup>۱</sup> چاپ شده در بزرگداشتنامه دکتر محمود مرعشی به نام مرزبان فرهنگ از همین قلم دلالت می‌نماید.

### ده محله تاریخی در شرق قم

پیش از ورود به تخریب بافت کهن یا آن چیزی که عمران و توسعه نام گرفت، به بیان ده محله تاریخی که در شرق قم، شهر اسلامی را تشکیل میداد، می‌پردازیم. این ده محله را «مفلس قمی»، از نویسندگان اواخر قاجار و اوائل پهلوی شرح داده است. او ابتدا چنین می‌گوید: «مخفی نماند که دور باره شهر قم - که آبادی در وسط اوست - قریب دو فرسخ شرع است، که هر فرسخی دوازده هزار ارش است و این ولایت را ده محله است». <sup>۲</sup> او سپس ده محله را به این شرح برمی‌شمارد:

#### ۱- محله آستانه

«محله اول آستانه است. بقعه طاهره جناب فاطمه معصومه (ع) در قبرستان بزرگ، جنب صحن مطهر و خیابان بالا که ابتدای او دروازه خاکفرج و انتهای او دارالشفاست و خیابان پایین که ابتدای او درب مسجد امام و انتهای او آب انبار حاجی سید محمد عرب و کوچه حرم که ابتدای او صحن جدید امین السلطان و انتهای او کوچه ارک و محوطه کوچه ارک و خانه هایی که در طرف مغرب قبرستان بزرگ واقع است، از خانه های صدراعظم و بازارچه سلام گاه و خانه های جناب متولی باشی، کلا از این محله آستانه محسوب می‌شود»<sup>۳</sup>

این محله و دروازه خاکفرج بنا به شرحی که سپس می‌آید، طی طرحهایی که در زمان رضاه شاه اعمال شد، تقریباً موجودیت و محلّیت خود را از دست داد، به گونه ای که کهن

۱ پیوند تاریخی اردبیل - قم.

۲ تحفة الفاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳ همان، ج ۲، ص ۳۴۸.



سالان کنونی محدوده تعریف شده فوق را به عنوان محله شناسایی نمی کنند. پاره ای از مواضع بالا در زمان های بعد تخریب شد از جمله مدرسه دارالشفاء و خیابان بالا و آب انبار سید عرب که در زمان ما تخریب گشت. از ظاهر عبارت مفلس این گونه برمی آید که خانه های صدراعظم (منظور امین السلطان بعدی که خانه اش در شرق قبرستان و مقابل حرم و جنب مطب شفاء الدوله بوده است) و متولی باشی (محل فعلی مدرسه آیت الله گلپایگانی و کوچه پشت آن مجاور مقبره علی بن بابویه) در غرب قبرستان بزرگ (میدان آستانه) کنونی بوده است، حال این که در شرق قبرستان بوده اند.

## ۲- محله عشق علی

«محله دوم، عشق علی است. ابتدای او یخچال قاضی است و انتهای او مدرسه لک ها. کوچه باغ قاضی و کوچه سنگ تراش ها و کوچه درویش ها و کوچه لب چال و حمام گلشن و کاروانسرای بزازها که در بازار عتیق واقع است و کوچه ترقی ها تا محله چاله عربستان، داخل این محله است»<sup>۱</sup>

این محله کما اینکه خواهیم دید طی احداث خیابان های آذر و چهارمردان بعدها دچار گسیختگی شد و پاره ای از مناطق آن از جمله لب چال و یخچال قاضی (محل بیت رهبر فقید انقلاب اسلامی) و عربستان که در این تقسیم بندی به عنوان محله کلی شناخته نیستند، خود محله مستقلی شدند. کوچه های باغ قاضی و سنگ تراش ها و درویش ها برای نگارنده مشخص نیست. کاروانسرای بزازها همانی است که در مجاور بازار کهنه و خیابان ۵۵ متری عمار یاسر قرار داشت - و برادران تکیه ای در کنار ورودی آن مغازه پالان دوزی داشتند - و در هنگام احداث این خیابان تخریب شد.

## ۳- محله الوندیه

«محله سوم، محله الوندیه است. ابتدای او آب انبار حاجی ملا محمد کزازی است. انتهای او کوچه لب چال و حمام گلشن. کوچه میدان میر و محراب حضرت معصومه (س) که در

۱ همان، ج ۲، ۳۴۷-۳۴۸.





تخریب بافت تاریخی جهت احداث خیابان  
چهارمردان (کتاب در حریم حرم، ص ۹۰)

تخریب خیابان بالا (کتاب در حریم حرم،  
ص ۱۹۴)



جنب میدان میر است و مسجد حاجی محمد صادق، داخل این محل است»  
 محله بالا نیز به هنگام احداث خیابان چهارمردان به شرح آتی دچار شکاف شد و به دنبال آن میدان میر هم محله مستقلی گشت. تعدادی از اجزایی هم که در تعریف اخیر نام می برد، دیگر وجود خارجی ندارند.

#### ۴- محله چهارمردان

«محله چهارم، محله چهارمردان است. ابتدای او گذر قلعه است و انتهای او بقعه امامزاده شاهزاده حمزه و میدان کهنه است. محله پنجه علی و کوچه لکها و کوچه سلطان شریف و مسجد صینی و محله پنجه علی و بقعه شاهزاده ظهیر، داخل این محله است»<sup>۱</sup>  
 این محله نیز به شرح آتی، قسمت کمی در هنگام احداث خیابان آذر و بیشتر در اواخر دهه سی و اوائل دهه چهل به علت خیابانی که بعدها نام همین محل را روی آن گذاشتند، دچار گسست و پاره گی شد. ضمن اینکه پاره های از اجزای آن از جمله پنجعلی و سلطان محمد شریف محلات مستقلی شدند.

#### ۵- محله سیدان

«محله پنجم، محله سیدان است. ابتدای او کوچه سلطان شریف است و انتهای او آب انبار مرحوم میرزا ابوطالب. بقعه امامزاده حمزه و میدان شاهزاده حمزه و میدان کهنه و دو مناره واقعه در درب مدرسه گیایه جنب میدان کهنه، در این محله است»<sup>۲</sup>  
 این محل نیز مانند محلات قبل هنگام احداث دو خیابان آذر و چهارمردان دچار شکاف شد. پاره ای از اجزای آن، از جمله سلطان محمد شریف و شاه حمزه به صورت محله مستقل در آمدند.

#### ۶- محله سنگ بند

«محله ششم محله سنگ بند است. ابتدای او بقعه شاهزاده احمد قاسم و کوچه طالار و باغ غیاث آباد است و انتهای او آب انبار حاجی سید حسن که نزدیک چهل اختران است. کوچه

۱ همان، ج ۲، ۳۴۸.

۲ همان، ج ۲، ۳۴۸.

طالار و مسجد امام زین العابدین (ع) و مدرسه مؤمنیه و گذر سفیداب داخل این محله است»<sup>۱</sup>

این محله اواخر دهه سی و اوائل دهه چهل در هنگام احداث خیابان چهارمردان دچار گسیختگی شد.

#### ۷- محله موسویان

«محله هفتم، محله موسویان است. ابتدای او گذر سنگ سیاه و انتهای او دروازه ری و باره شهر است. کوچه سنگ سیاه و گذر تقی بیگ و کوچه پای درخت پیر و بقعه موسای مبرقع و چهل اختران و کوچه دولت خانه و کوچه رضا آباد داخل این محله است»<sup>۲</sup>

این محل هم اکنون به نام محله چهل اختران معروف است. خیابان آذر نیز این محل را دچار گسیختگی ساخته است. اخیراً در طرح موسوم به حرم تا حرم، بین بقعه موسی مبرقع و سید سربخش قسمتی دیگر از این محله تخریب شده است.

#### ۸- محله مسجد جامع

«محله هشتم، محله مسجد جامع است. ابتدای او میدان کهنه، وسط شهر و انتهای او دروازه ری است. بازار کهنه و گذر لاجین بیگ و مسجد جامع و مدرسه چانیخان [مشهور جانی خان] داخل این محله است»<sup>۳</sup>

ظاهراً «وسط شهر» همین محله لب چال فعلی است. در این صورت احداث خیابان آذر این قسمت را از محله مزبور جدا کرده است.

#### ۹- محله باغ پنبه

«محله نهم، محله باغ پنبه است. ابتدای او چاله خروس و باجک است و انتهای او باغ شاه»<sup>۴</sup>

این محله تقریباً کلیت خود را حفظ کرده است. کوچه چاله خروس، کوچه شماره یک

۱ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۲ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۳ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۴ همان، ج ۲، ۳۴۹.



باجک است و باغ شاه تقریباً در خیابان عمار یاسر افتاده است. ابتدا قرار بود که خیابانی موسوم به خیابان استاد فقیهی، در قسمت کوچکی این محله و محله عربستان بالا و پایین را بشکافد و خیابانی بین خیابان باجک و ۵۵ متری عمار یاسر ایجاد کند. سپس در پی درخواست اهالی محله باغ پنبه این طرح منتفی شد. اخیراً شنیده می‌شود علیرغم منتفی شدن طرح، شهرداری همچنان به خرید اراضی برای اجرای طرح ادامه می‌دهد.

#### ۱۰- محله اسحاقیه

«محله دهم، محله اسحاقیه است. ابتدای او دروازه خاکفرج است. انتهای او چال خروس باجک است. گذر کولی خان و بازار مسگرها و حمام چال و کوچه‌ی خوب پاها داخل این محله است»<sup>۱</sup> این محله در دوران رضا شاه تقریباً از بین رفت. به گونه‌ای که کهن سالان قدیمی این محله را به یاد نمی‌آورند، یا حداقل در بین آنها نام این محله متداول نیست. خرابی این محله در توضیحات بعد ذکر می‌شود.

#### اولین خیابان های قم

در اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی، قم تنها چهار معبر به نام خیابان داشت. نخستین خیابان از کنار دروازه ورودی شهر به نام‌های درب معصومه / خاکفرج / تهران / ساوه / و گویا عراق (همه دلالت بر یک دروازه دارند) شروع می‌شد و تا مدرسه دارالشفاء به صورت شمالی - جنوبی ادامه می‌یافت. این خیابان ابتدا به نام «خیابان بالا» نامیده می‌شد و سپس «حضرتی» نام گرفت. یکی از کهن سالان می‌گوید در سال ۱۳۱۷ نام پهلوی هم روی آن گذاشتند، ولی نگرفت و جا نیفتاد.<sup>۲</sup> این خیابان در روزگار ما - تقریباً دهه هفتاد - از بین رفت. ذکر این خیابان در تعدادی از سفرنامه‌های قدیم آمده است.<sup>۳</sup>

خیابان بعدی از مقابل درب شرقی مسجد امام شروع می‌شد و تا آب انبار سید عرب به صورت غربی - شرقی ادامه می‌یافت. به عبارت دیگر محل وقوع آن در ضلع شمالی قبرستان

۱ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۲ گفته حاج سید علی اکبر سبحانی متولد ۱۳۰۸ ش.

۳ علی آباد نامه، ۲۷۳.

کهن بابلان بود. این خیابان به نام «خیابان پایین» موسوم بود و همانی است که بعداً «کوچه ننه عباس» و «کوچه آب انبار سید عرب» نام گرفت و هنوز قسمتی از آن بازمانده است. سابق تر به این قسمت به اعتبار قبرستان بزرگ بابلان، «سرقبرستان» به لهجه قمی sar-qabrassun می گفتند.<sup>۱</sup>

خیابان بعدی «خیابان حاج عسکرخان» در خیابان آذر فعلی قرار داشت، و این همانی است که قمی ها کوچه آقا سید حسن (به قمی آستسن / astasan) می گویند و هنوز باقی است و هنوز کاشی حاج عسکرخان هم از زمان قاجار در ورودی آن نصب است. خیابان چهارم، خیابانی است موسوم به «چراغ برق» که فعلاً نیز هست و از جلو شیخان تا انتهای خیابان حضرتی امتداد دارد. علت این که به آن خیابان چراغ برق گفته اند، این است که احمد شاه قاجار یک کارخانه کوچک برق برای آستانه مقدس حضرت معصومه (ع) هدیه کرد که در این خیابان نصب شد.<sup>۲</sup> این خیابان گویا در زمان احمد شاه احداث شد. در دوران متأخر به آن خیابان دارالشفاء می گفتند.<sup>۳</sup> در نقشه ای که موسسه سحاب به تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۹ از قم کشیده، این خیابان را با نام خیابان حضرتی معرفی کرده و این خطا است و خیابان مجاور و عمود بر آن به نام اخیر موسوم بود.

### تخریب بافت تاریخی در روزگار پهلوی اول

اولین تخریب در بافت تاریخی قم در زمان رضا شاه اتفاق افتاد. روایات شفاهی در این باره بسیار است و هر چند با هم اختلاف دارد، ولی باید به عنوان تاریخ شفاهی گردآوری شود. صحت و سقم آنها را اسناد و مدارک دیگر تعیین می کند. اما قدر مطلق آن این است که رضا شاه در سفری به اصفهان از راه قم، دچار حادثه می شود یا از وضع موجود آزاده می شود، به حاکم یا فرماندار وقت دستور می دهد که تا برگشتن او خیابان های لازم در اطراف حرم مطهر مطهر گشاده شود.<sup>۴</sup>

۱ در تداول پدر و مرحومان عموهای نگارنده و کهن سالان قمی

۲ قم دیروز و امروز، ۵۷-۵۸.

۳ کتابفروشی (یاد نمای بابک افشار)، ۵۷۳ و اظهار حاج سید آسدالله محسنی.

۴ روایت جناب ابوالحسن گرامی و عده ای دیگر.



با تمام این روایت‌ها، ما هنوز به صورت مستند و دقیق، گزارشی از اقدامات پهلوی اول و ما بعد را که به عنوان عمران و آبادی صورت گرفت - ولی در عمل منجر به تخریب قسمتی از بافت تاریخی شد - در دست نداریم. گزارش نگارنده تا اندازه‌ای می‌خواهد این خلاء را پر کند. رضا شاه صرف نظر از جنبه استبدادی و خودکامگی‌اش، واجد اندیشه‌های نوخواهی و به روز شدن بود؛ خاصه که تنها سفر خارجی او به ترکیه، این خصویت را تقویت کرد. بنابراین اقدامات او در قم را باید با توجه به این دیدگاه ارزیابی کرد.

### قبرستان بزرگ / کهن / بابلان

در سال ۲۰۱ ق که حضرت فاطمه معصومه (ع) به قم تشریف فرما شدند، پس از هفده روز اقامت در سرای میزبان خود، موسی بن خزرج اشعری، در محل میدان میر کنونی، که به «ستیه» مشهور است، بر اثر بیماری در می‌گذرد و در بیرون شهر آن روزگار، در باغ میزبان خود، موسوم به باغ بابلان و در کنار رودخانه به خاک سپرده می‌شود. به تدریج شماری از فرزندان و احفاد امامان (ع)، در پیرامون خاک جای آن حضرت دفن می‌شوند. حتی پس از شکل‌گیری حرم مطهر، در بیرون آن نیز بسیاری از روات و محدثان و بزرگان و دیگران به خاک سپرده می‌شوند. این رسم تا روزگار ما - یعنی تا اواخر دههٔ چهل و اوایل دههٔ پنجاه در صحن بزرگ و ندرتا تا حال در شیخان - نیز ادامه می‌یابد.

### زمان و مکان نخستین تخریب

در دوران پهلوی اول مهم‌ترین و ظاهراً نخستین تخریبی که از آن یاد می‌شود، خرابی همین قبرستان است. تعدادی از عالمان شیعه از این تخریب - از جمله شیخ محمد تقی بهلول در خاطرات خود - انتقاد کرده‌اند. این قبرستان همانی است که بازماندهٔ آن به نام «قبرستان شیخان» هنوز وجود دارد.

نگارنده زمان دقیق شروع تخریب را تاکنون با جستجوی اندکی که انجام داد در جایی ندیده است؛ ولی آستانه مقدسه اخیرا اسنادی منتشر کرده است که می‌توان زمان تقریبی این تخریب‌ها را به دست آورد. در این سند که تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۷ ش بر آن درج شده است، بلدیة (شهرداری) قم به محمد باقر حسینی، متولی باشی آستانه مقدسه چنین می‌نویسد:

«چون مطابق حکم وزارت جلیله داخله [= وزارت کشور] ... باید خیابان جنب قبرستان [منظور قبرستان بابلان مقابل حرم است] از مقابل آستانه مقدسه الی درب مسجد امام [حسن عسکری (ع)] اصلاح شود. متمنی است یک نفر نماینده از طرف دفتر محترم آستانه مقدسه تعیین و به این اداره معرفی فرمایید که راجع به دکاکین شاه عباسی مذاکره و جهد قاطعی داده شود که سریعاً مشغول خرابی و ساختمان بر طبق گفته آقای اعظم زنگنه مهندس و دستور اداره بلدیة [= شهرداری] شوند.

امضاء رئیس بلدیة قم معزز عطاردی»<sup>۱</sup>

دو نکته عجالتاً از این سند مستفاد می‌شود: یکی تاریخ تقریبی تخریب است که نشان می‌دهد اقداماتی قبل از تاریخ سند آغاز شده بوده است. دیگری نام مهندس طرح یعنی «اعظم زنگنه» است. با اندک تفحصی که شد دو تن در آن زمان‌ها به این نام شناخته شده‌اند: یکی تحصیل کرده حقوق بوده است که بعدها ترور می‌شود و دیگری که سمت‌های سیاسی از جمله استانداری داشته است و هیچ کدام نیز با شخص مورد نظر قابل تطبیق نبودند.

ارزیابی اقدامات انجام شده در زمان پهلوی اول به دور از تعصب و احساس، نیازمند تحقیق دقیق و مستند به اسناد است، که فعلاً میسر نیست. ولی می‌توان گفت اصلاحات با توجه به تغییرات دوران‌های بعد تا اندازه‌ای قابل تحمل بوده است. ضمن این‌که به نظر نگارنده، حداقل بافت مذهبی و اجتماعی و فرهنگی مردم قم دستخوش تغییرات یا گسست عمده‌ای نگشت. چیزی که در زمان‌های بعد به خصوص زمان ما به صورت گسترده‌ای دیده و احساس شد. گفتنی است که استاد علی اصغر فقیهی تاریخ شروع تخریب را ۱۳۰۷ ش بیان کرده است.

«شهر قم هر اندازه که وسیع تر و پر جمعیت تر می‌شد، اساس آن به حال خود باقی بود تا اوایل سلطنت ... [شاه] که از سال ۱۳۰۷ شمسی به بعد کم‌کم وضع آن تغییر کرد. ابتدا شروع به تسطیح قبرستان وسیعی که در پشت شمالی صحن نو تا مقابل مسجد امام ادامه داشت، نمودند و پس از احداث خیابان‌های متعدد و وسیع در اطراف آن، بقیه را به صورت باغی درآوردند و دور آن را نرده کشیدند»<sup>۲</sup>

۱ برگه از تاریخ قم، آستانه مقدسه، ص ۱۵۹.

۲ قم دیروز و امروز، ۳۳.



آلفونس گابریل، ایرانگرد و کویرنورد اتریشی که در سال ۱۳۱۲ ش از قم دیدن کرده، چنین می گوید:

«در سال های اخیر برخی از چیزها در این جا تغییر پیدا کرده بود. در شهر اتومبیل هایی رفت و آمد می کرد. قسمت زیادی از حجره های خیابان های همجوار حرم مطهر تخریب شده و خیابان گسترش پیدا کرده بود [منظور خیابان آستانه است]. حتی گورستان وسیع [مقصود قبرستان بابلان است] مجاور مسجد بزرگ [منظور مسجد امام حسن عسکری (ع) و یا حرم حضرت است] که از فاصله دور درگذشتگانی را برای به خاک سپردن در آن به آن جا حمل می کردند، دیگر وجود نداشت. اینک سنگ قبرهای به خاک سپرده شدگان که برای دفن آنان در جوار حضرت معصومه کوشش زیادی شده بود، برای سنگ فرش راهی که به یک پارک به نام «باغ ملی» منتهی می شد، مورد استفاده قرار گرفته بود و گورستان قدیمی در آن مستحیل شده بود».<sup>۱</sup>

پس در سال ۱۳۱۲ ش میدان آستانه و باغ ملی شکل گرفته بوده است. دیگر این که از سنگ قبرهای اموات برای سنگ فرش ظاهرا قسمتی از خیابان های آستانه و ارم استفاده کرده اند. خوشبختانه عکس هایی از حدود چهارگانه این قبرستان از دوره قاجار وجود دارد که می توان ابعاد آن را با مقداری خطا به دست آورد. حدود تقریبی آن چنین بوده است: حد جنوبی به صحن نو، حد غربی به ساختمان های مجاور خیابان بالا / حضرتی، از مجاور و در امتداد مدرسه فیضیه تا درب شرقی مسجد امام (روبروی کوچه ننه عباس)، حد شمالی به خیابان پایین / کوچه ننه عباس، حد شرقی به مدرسه و گذرخان و علی ابن بابویه و در ادامه، خطی با اندکی اعوجاج به طرف کوچه ننه عباس (خیابان پایین).

این قبرستان در زمان پهلوی اول تسطیح شد و به عبارت بهتر روی قبر مدفونان صرفا پوشیده شد و تنها در قسمت هایی که نیاز به حفاری بود، استخوان ها تخلیه گردید و بازمانده اموات تا زمان ما باقی بود. کما اینکه هنگام دفن شهدای دفاع مقدس، در قسمتی از باغ ملی سابق استخوانها ظاهر شد و نگارنده آنها را ملاحظه کرد.<sup>۲</sup>

۱ عبور از صحاری ایران، ۶۲.

۲ همچنین روایت حاجیه خانم فاطمه افشین، مادر شهیدان دلشاد که می گویند تا زمانی که استخوان های اولیه، مجددا دفن نشد، هر شب بادهای سهمگینی می آمد.



خوب است بگوییم که بر اساس عکس‌های تاریخی، بعد از گذرخان، ساختمان‌های مجاور آن از جمله پاساژ کویته‌ها و پاساژ ملت و در ادامه مدرسه آیت الله گلپایگانی به طرف پایین (شمال جغرافیایی) تا بانک ملی به نظر می‌آید که جزو قبرستان بوده است. با تخریب این قبرستان، به جای آن خیابان ارم، میدان آستانه، باغ ملی سابق و در مجاور آن بلدیه (یا شهرداری) و حکومت (یا فرمانداری بعدی) قم ایجاد شد.

### تخریب قسمتی از بازار بزرگ

در میان اسنادی که آستانه مقدسه قم از مرحوم محمد گلبن خریداری کرده است، رد پای از اقدامات آن زمان دیده می‌شود که به آن خواهیم رسید. گفتیم که امین السلطان در گسترش بازار قم تا پل علیخانی و دروازه معصومه و در واقع به طرف مغرب شهر تأثیر بسیار زیادی داشت. هرچند ما دروازه ساوه را پیش از صفوی داشتیم، ولی گویا دروازه با گسترش شهر از جای پیشین خود به طرف مغرب جابه‌جا می‌شود و همانی می‌شود که درب معصومه به اعتبار نزدیکی به حرم و دروازه خاکفرج به جهت مجاورت با خاکفرج و دروازه تهران به لحاظ راه جدید تهران، نام می‌گیرد. این دروازه که عکس‌هایی با فاصله دور از آن وجود دارد، ورودی بازار بزرگ قم بوده که از مقابل درب شمالی مسجد امام حسن عسکری (ع) و شاهزاده ناصر می‌گذشت و تا «سه راه کولی خون» (خانه کولی) یعنی تقریباً چهار راه فعلی بازار ادامه می‌یافت و بعد به صورت دوشاخه به بازار فعلی قم از یک طرف و گذر یا بازار سلام در سمت دیگر وصل می‌شد.

«خون» در ترکیبات «کولی خون» و «شترخون» و «شغال / شاغال خون» و «چال مار خون» و مانند آن بر کوه و دیگرشده‌واژه «خانه» در فارسی قمی دلالت دارد. سه راهی کولی خون ظاهراً جایی بوده است که غربتی‌ها و کولی‌های بی‌خانمان در آن مأوا می‌گزیدند. باری در زمان پهلوی اول دروازه مذکور که تزیینی و دارای نقاشی هم بود و قسمت یادشده از بازار تخریب و به جای آن قسمتی از خیابان آذر فعلی ایجاد شد و همچنین بازار یا گذر سلام که به صورت شاخه‌ای به قبرستان بزرگ مقابل حرم می‌رفت نیز خراب گردید. وجه نامگذاری آن به «سلام» این بود که روبه‌روی آن گنبد حرم نمایان می‌شد و مردم قم به رسم



دیرین خود در آن جا، با عبارات خاص خود به حضرت سلام می‌گفتند. قسمتی دیگر از بازار که از طریق سه راه بازار فعلی به خیابان پایین یا کوچه ننه عباس وصل می‌شد، در همین عملیات تخریب گردید که بازمانده آن به نام بازار نو یا بازار کفاشها (اُرسی دوزها) - میان کوچه ننه عباس و ابتدای خیابان ارم - هنوز وجود دارد. به عبارتی بازار نو از سه راه بازار فعلی به بازار بزرگ وصل بود.

گفتنی است ابتدای بازار سلام از داخل بازار قدیم که محل فعلی بانک‌های تجارت و ملت باشد به طرف در شرقی مسجد امام حسن عسکری (ع) و تا کوچه ننه عباس بوده است. تاریخ تقریبی این تخریب‌ها را در قسمت تخریب قبرستان بزرگ بیان می‌کنیم.

ضمناً به تیمچه کنونی نیز که دست ساخت استاد حسن معمار است، تیمچه «بزرگ» می‌گویند. علت این است که دو تیمچه دیگر که از نظر اندازه از این تیمچه کوچک‌تر بوده است و در حد فاصل دروازه خاکفرج (پل علیخانی) تا سه راه کولی خون (چهار راه بازار) در بازار قدیم وجود داشت، که در تخریب زمان رضاه شاه از بین رفت، لیکن صفت بزرگ تا زمان ما بر روی تیمچه کنونی باقی مانده است:

«و سر اشتهار آن به عنوان بزرگ آن بود که در بازار و دروازه و بازار سامگاه دو تیمچه دیگر یکی کوچک از اعتضاد الدوله حکمران قم و دیگری متوسط از صدراعظم نیز از آثار هنری همین معمار وجود داشتند، که در اثر احداث دو خیابان آذر و آستانه به کلی خراب شدند»<sup>۱</sup>

### چهار / چارسوق بازار

سوق ظاهراً همان سوق عربی به معنای بازار به نظر می‌رسد، لیکن دیگرشده سوی به معنی جهت است که باز ظاهراً تلفظی کهن از آن به صورت «سوک» به معنی گوشه در فارسی قمی رایج است. چار سوق جایی است که دو رشته بازار به هم می‌رسد. این پرسش همیشه برای نگارنده بود که محوطه بزرگ چارسوق واقع در بازار (از طرف مدخل بازار که در چهارراه بازار است) و به هیچ سویی هم راه ندارد، از چه روی چهار سوق می‌نامند. چندی پیش به همراهی دوست گرامی جناب علی پاک سرشت که از آنجا می‌گذشتیم، ایشان مطلبی گفت که جای

۱ گنجینه آثار قم، ج ۲ / ۷۰۲.



(ص ۸۶)

لحمه لیمحه در کتاب در بیان تخریب خیابان



ساماندهی میدان نو (کتاب در حریم حرم

ص ۱۸۷)

تأمل دارد. بر مبنای اظهار ایشان چار سوق فعلی کور شده حال آنکه در این محل قبلا دو رشته بازار به هم می رسیده است. آثار به جا مانده در دو طرف کور شده، گفته ایشان را تأیید می کرد. اگر چنین باشد یک راه چار سوق به طرف بازار مسگرها باز بوده است و راه دیگر به طرف خیابان آذر فعلی. در این صورت به احتمال زیاد راه اخیر در زمان پهلوی اول تخریب شده است. بی علت نبوده است ناصرالدین شاه در سفر ششم خود (۱۳۰۵ق) هنگامی که از دروازه کاشان یعنی علی بن جعفر به طرف حرم بر می گشته است چنین می گوید:

«از بازارهای خراب غیر مسکون گذشته، رسیدیم به بازارهای مسکون معمورآباد. بسیار بازارهای خوبی [است] از این طرف از آن طرف هی بازار است چهار سو دارد جمعیت زیادی دارد کاروانسرا، تیمچه های خوب دارد. از توی همین بازارهای معمور رانندیم تا رسیدیم به در صحن جدید که امین السلطان ساخته است»<sup>۱</sup>

قمی های قدیمی هنگام نشانی دادن از دو چار سوق بزرگ و کوچک نام می برند و چارسوق فعلی را چارسوق کوچک می گویند. (گفته حاج سید اسدالله محسنی) این مطلب تأییدی بر گفته های ناصرالدین شاه است.

### محله اسحاقیه

یکی از محلات قم که دیگر حتی نامی هم از آن شنیده نمی شود، محله اسحاقیه است. این محله در دوره رضاشاه تقریباً به کلی تخریب شد. محدوده آن پیشتر به نقل از مفلس قمی بیان شد.

علت نامیدن آن به نام اسحاقیه آن بوده است که معتقد بودند مقبره ای که مقابل مسجد امام کنونی وجود دارد مدفن احمد ابن اسحاق اشعری نماینده حضرت امام حسن عسکری (ع) است و چون این مقبره در محل مذکور بود، نام صاحب مقبره بر روی آن گذاشته شده بود. مقبره ای که گویا بعداً کجویی اردستانی صاحب انوارالمشعشعین ثابت کرد آن مقبره نیست و اکنون هم به نام شاهزاده ناصر شناخته می شود. او ابتدا از عمده الطالب چنین نقل می کند: «و به تحقیق یافتم از جمله اشخاصی که نسبت می دهند به سوی عبدالرحمن محمد بن

۱ سفرهای ناصرالدین شاه به قم، ۱۱۲.

محمد بطحانی، ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن عبدالرحمن ابن محمد بطحانی ابن قاسم بن حسن زید ابن امام حسن (ع) است که مدفون به شَقِّ قم در مدرسه، آنجائی که در محله سورانیک قم واقع است. انتهی المرام»<sup>۱</sup> او سپس اضافه می کند:

«مؤلف این کتاب محمد بن علی بن حسین گوید که: مدفن ناصرالدین علی از قرائنی که در کلام عمده الطالب چنین مستفاد می شود که در همین بقعه ای می باشد که الیوم مشهور است به بقعه احمد بن اسحاق که در بازار قم، مقابل درب مسجد امام واقع است، زیرا که در آنجا مدرسه بوده در زمان قدیم، و الیوم زمین مدرسه در پشت بازار موجود است، و آب انباری هم در درب آن مدرسه می باشد، و بودن مدرسه آنجا شایع است، و محل انکار نمی باشد، و در شق قم هم واقع است، زیرا شَقِّ به معنی طرف و کنار است و آن مدرسه و بقعه هم در کنار شهر واقع است، هر چند الیوم آن محل را سورانیک نگویند و به این نام نخوانند، زیرا که رفته رفته و به مرور ایام اسم های محلات قم تغییر یافته، و مشهور شده آن بقعه به بقعه احمد بن اسحاق. و گویند او در این محل مدفون است. این مطلب غلطی است مشهور، و داخل در مصداق این مطلب است که می فرماید «زُبَّ مشهور لا اصل له» زیرا که احمد بن اسحاق در حلوان وفات نموده؛ نزدیک پل ذهاب همچنان که صدوق علیه الرحمه در کتاب کمال الدین خود می فرماید که: در وقت مراجعت احمد بن اسحاق قمی از سر من رای از خدمت امام حسن عسکری (ع) به سوی قم، به حلوان که رسید مریض شد، و در آنجا وفات نمود و در آن مکان مدفون شد، الحاصل مدفون در این بقعه مذکوره در قم ناصرالدین علی می باشد و بسیار امامزاده جلیل القدری است»<sup>۲</sup>

در تخریب دوره رضاه شاه از دروازه خاکفرج (پل علیخانی) تا مقابل این مقبره و گویا صحن آن و در همین راستا تا سه راه کولی خان (تقریباً منطبق بر چهار راه بازار کنونی) و در ادامه قسمتی از بازار که داخل این محل بود به کلی خراب شد. در نتیجه با این تخریب و

۱ انوارالشعین، ج ۲، ۱۲۰.

۲ همان، ج ۲، ۱۲۰-۱۲۱.



تغییر نام مقبره که تقریباً همزمان بود، نام و یاد محله به کلی حتی از خاطره کهن سالان نیز محو گردید.

## بازار مسگرها

ظاهراً قسمتی از این بازار از سمت غرب به سوی شرق در زمان رضاه شاه تخریب شد. در سرشماری دوران ناصرالدین شاه از این بازار یاد شده است (کتابچه اعداد و نفوس). بازار مسگرها در ابتدای راسته بازار از طرف خیابان باجک تا اواخر پهلوی دوم و حتی تا اواخر دهه شصت حیات داشت و رهگذران بازار، آهنگ چکش مسگران را که ریتم خاصی داشت به گوش می شنودند. بازار مسگرهای زمان ما از ابتدای بازار کنونی شروع می شد و تا سه راهی منتهی به چهار سوق (تقریباً مقابل پاساژ کنونی حجت) ادامه داشت.

با ورود ظروف غیر مسی این بازار نیز به تاریخ سپرده شد. صرفاً نام مسجد واقع در این مسیر به نام مسجد مسگرها تا زمان ما باقی ماند. تک مغازه ای هم اکنون با مقاومت خود و اقبالی که جدیداً به ظروف مسی نشان داده می شود، شغل قدیم را با تغییراتی ادامه داده است. خوب است تا اندک بازماندگان این حرفه (به نام صفاری و ...) باقی اند تاریخ شفاهی آن به قید ثبت و ضبط در آید.

ابتدای کوچه کلاه مالها که گویا از کنار کاروانسرای پلاستیک فروشان کنونی به کوچه آهنگرها (کوچه شماره ۲ باجک) ختم می شد، در این هنگام از بین رفت. صرفاً تئمه کوچه که زورخانه چاله مسگرها (نیرومند بعدی) تا اوایل دهه پنجاه در آن قرار داشت، باقی ماند که سپس با احداث پاساژ علوی این قسمت هم از بین رفت. این نشان می دهد که بازار مسگرها گسترده تر از بازاری بود که ما در دوران کودکی و نوجوانی دیده بودیم. نگارنده ساختمان این زورخانه و ورزش شعبان جعفری معروف به «شعبان بی مخ» در سفرش به قم در آن زورخانه، در اوایل دهه پنجاه شمسی را به خوبی به یاد دارد.

از محله اسحاقیه به جز کوچه آهنگرها (کوچه شماره ۲ باجک) اندکی در قسمت مجاور چال خروس (کوچه شماره ۱ باجک) به نام کوچه آقا سید اسماعیل (به قمی آستس ماییل / astesmail) تا پشت تیمچه بزرگ باقی مانده بود، که به درخواست نگارنده همکارانم آقایان

پرویز اکرمی (نویسنده کتاب چاپ نشده هویت شهری قم) حدود ۱۲-۱۰ سال پیش و محمد علی استاد علی، دانش آموخته معماری حدود ۵-۶ سال قبل، به صورت جداگانه تصویر برداری کرده‌اند. قسمت های تصویر برداری شده نیز اخیراً به صورت گسترده تخریب شده و یا تغییر شکل یافته است.

حمام چال / چاله هم گویا در ابتدای باجک فعلی، و در واقع در داخل بازار قدیم بود که آن نیز هنگام احداث خیابان باجک تخریب شد. نگارنده به یاد می‌آورد که اوایل دهه پنجاه ناگهان بستر خیابان باجک در مقابل بازار فرو رفت و آثار حمامی در قعر خیابان ظاهر گشت و آن ظاهراً همین حمام چال بوده است که در زمان پهلوی به جای آن حمامی دیگر ساختند که نگارنده حمام اخیر را که جنب مغازه پدرش و متصدی آن شخصی به نام حاج آقا متقی بود، به یاد می‌آورد. این حمام هم در اوایل دهه پنجاه با احداث پاساژ علوی در اول خیابان باجک خراب شد. گفتنی است که حمام‌های قدیم را برای آن‌که آب به آن سوار شود در چال می‌ساختند.

اطلاعی فعلاً از کوچه خوب پاها (در محله اسحاقیه) در دست نیست. خوب تلفظ قمی جوی و «جوب‌پا» یعنی نگهبان و مواظب جوی است و این عنوان نشان دهنده کثرت جوی و فراوانی آب و جوب پاها در آن هنگام در قم بوده است.

مرحوم آیت الله سید علی اکبر برقی که نخستین کتاب مربوط به تاریخ قم و تحولات شهر در آن زمان به نام راهنمای قم را نگاشته و در سال ۱۳۱۷ ش به چاپ رسانده است، از تحولات کالبدی شهر در آن موقع با عنوان فوق و به شرح زیر سخن می‌گوید:

«شهرداری قم در این چند سال اخیر برای عمران و زیبائی شهر اقدامات اساسی از قبیل تسطیح قبرستان و ایجاد باغ ملی و ساختن سد رودخانه و احداث خیابان‌ها نموده و همه ساله نیز مطابق برنامه مخصوص، اصلاحاتی را در نظر می‌گیرد که برای نمونه برنامه سال ۱۳۱۷ [ش] که برطبق آن مشغول اقدام می‌باشد، ذیلاً نگاشته میشود».<sup>۱</sup>

او سپس به شرح خیابان‌های احداثی و در دست احداث می‌پردازد. با شرح فوق چنین در

۱ راهنمای قم، ۱۳۶.



می یابیم که طرحهای اجرا شده در بافت تاریخی نه بر حسب اتفاق یا تصمیم ناگهانی، بلکه بر مبنای برنامه ای از پیش تعیین شده اجرا شده بوده است یا قرار بوده اجرا شود.

## خیابان آذر

گفتیم که با اقداماتی که در زمان رضا شاه صورت گرفت، قسمتی از بازار بزرگ تا سه راه بازار فعلی که بر خیابان آذر منطبق بود، تخریب شد. اما ما اطلاع مستندی نداریم که ادامه خیابان آذر از سه راه بازار تا میدان کهنه و سپس در همان مسیر تا میدان نکویی فعلی در همان زمان خراب شد و خیابان آذر به جای آن باز شد یا در زمان پهلوی دوم این اتفاق افتاد. وی چون اطلاعاتی از این که اقداماتی در زمان پهلوی دوم در این قسمت صورت گرفته باشد و لو شفاهی نداریم، تا به دست آمدن اسناد به این اکتفا می کنیم که خیابان آذر هم در زمان پهلوی اول گشاده شده است. در این صورت بافت تاریخی و درهم تنیده قم در این قسمت شامل قسمتی از محله کهن عشقعلی و شاه خراسان و قسمت جنوبی مدرسه رضویه و قسمتی از محلات کهن سیدان و موسویان (چهل اختران) در این زمان دچار تخریب شده است.

مرحوم آیت الله سید علی اکبر برقی در ادامه اینچنین به شرح خیابان های احداثی یا در حال احداث می پردازد:

«(۱) خیابان از پل الی میدان کهنه که به طول ۱۱۹۹ متر و به عرض ۲۲ متر در سال ۱۳۱۶ احداث گردیده».<sup>۱</sup>

بند یک همین «خیابان آذر» فعلی است. از این عبارت می فهمیم که خیابان آذر در سال ۱۳۱۶ احداث شده است و ظاهراً تا زمان نگارش کتاب مذکور بی نام بوده، چه ذکری از خیابانی به نام آذر نکرده است. نکته دیگر این که خیابان مذکور تا میدان کهنه ادامه داشته است. این نکته را یکی از کهنسالان قمی نیز می گوید. او می گوید که خیابان آذر تا دم میدان کهنه بود و آنجا به بعد یعنی به سوی شرق خیابانی نبود و مسافران کاشان از جاده اصفهان و کاشان (گویا خیابان صفاشهر فعلی) به سوی کاشان می رفتند. (روایت حاج سید اسدالله محسنی)

۱ همان، ۱۳۶



عکس هوایی سال ۱۹۳۴ میلادی که اریک اشمیت از فراز قم گرفته است نشان می دهد که خیابان آذر در سال ۱۳۱۳ ش هنوز احداث نشده بوده است. لیکن عکس هوایی سال ۱۳۳۳ ش، احداث این خیابان را تا فلکة نکویی فعلی نشان می دهد. بنابراین عمر خیابان آذر از ۱۳۱۷ ش - سال احتمالی احداث - تا این تاریخ (۱۳۹۷) قدر متیقن بیشتر از ۸۰ سال نیست. از همین رو نامگذاری خیابانی به نام آذر نیز، بیشتر از این مدت نباید باشد و چه بسا کمتر است. البته مرحوم فقیهی همانطور که پیشتر گفته شد، شروع اقدامات را از سال ۱۳۰۷ دانست و پس از ذکر تسطح قبرستان می گوید:

«سپس دروازه ای که روی پل رودخانه وصل به بازار وجود داشت و بازار متصل به آن را خراب کردند و همان طور ادامه دادند تا انتهای میدان کهنه و یک خیابان وسیع و طولانی به نام خیابان آذر احداث نمودند»<sup>۱</sup>

از طرفی سال احداث خیابان از میدان کهنه تا میدان نکویی فعلی، بین ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۳ ش باید باشد. و به احتمال زیاد ادامه خیابان در محدوده اخیر در اوائل دوران پهلوی اول ایجاد شده است. لیکن تاریخ دقیق آن فعلا برای ما معلوم نیست.

### خیابان آستانه

«(۲) خیابان آستانه که از اول بازار معروف به سلامگاه تا باجک، فعلا امتداد داده شده به طول ۲۸۰ متر و به عرض ۲۲ متر که در سال ۱۳۱۶ ش شروع و بقیه آن تا آخر شهر در دست اقدام است»<sup>۲</sup> بنا بر این تعریف، خیابان آستانه از جلوی درب شرقی مسجد امام شروع و به طرف باجک فعلی می رفته است. لیکن بعدها قسمت جنوبی یعنی تا خیابان درالشفاء (چراق برق) و در واقع مجاور شیخان فعلی را نیز شامل می شود.

### بازار / گذر سلامگاه

بازار سلامگاه که گویا گذر سلامگاه هم می گفته اند، بازار کوچکی بوده است که تقریباً از کناره شرقی مسجد امام حسن عسکری (ع) از داخل بازار بزرگ و هم اکنون خیابان آذر (طبق

۱ قم دیروز و امروز، ۳۳-۳۴.

۲ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.



گفته حاج سید علی اکبر سبحانی از بانک های تجارت و صادرات فعلی) به صورت شمالی - جنوبی به کوچه مقابل درب شرقی مسجد مذکور و به عبارت دیگر به خیابان پایین یا ننه عباس فعلی ختم و در واقع به روی قبرستان بابلان گشاده می شده است که در انتهای آن گنبد طلایی حرم هویدا بوده است و به همین لحاظ مردم قم از آنجا به حضرت سلام می داده اند و نام بازار سلامگاه (و گویا گذر سلام) از همین رو بر محل مزبور گذاشته شده بوده است. بنابراین طبق تعریف مرحوم برقعی و با طولی که به دست داده خیابان آستانه از شمال قبرستان بزرگ یعنی از روبروی درب مسجد امام حسن عسکری (ع) به طرف باجک فعلی، یعنی تا اول کوچه شماره یک در باجک تعریف شده است. حال آن که بعدا و با تخریب قبرستان بزرگ بابلان، این خیابان تا درب حرم مطهر در میدان آستانه کنونی از طرف جنوب ادامه می یابد و همین محدوده خیابان آستانه نامیده می شود. و نیمه شمالی که تا کوچه شماره یک باجک و درواقع «چال خروس» قدیم ادامه داشته، یعنی از چهار راه بازار تا کوچه مزبور به نام خیابان باجک که باغی تاریخی در این قسمت بوده است، به همین نام باجک موسوم می شود.

با این وصف، بازار سلام حد فاصل خیابان آذر فعلی و کوچه ننه عباس بوده است و طولی حدود ۴۵ تا ۵۵ متر برای این بازار به دست می آید. در سرشماری دوره ناصرالدین شاه این بازار تحت عنوان «گذر سلام گاه» به ترتیب آتی شرح می شود:

«گذر سلام گاه ۹ باب: بقالی ۱ باب، قصابی ۱ باب، کبابی ۱ باب، خبازی ۱ باب، حلوایی ۱ باب، علاقه بندی و تمباکو فروشی ۲ باب، عطاری ۱ باب، نمد مالی ۱ باب»  
 بنابر این، از اول بازار سلامگاه یعنی از کوچه ننه عباس فعلی به طرف شمال به باجک می رسیده است.

### خیابان باجک

از این گفتار دونکته دیگر عاید می شود. نخست این که در آن سال خیابان مذکور به نام آستانه موسوم بوده، دیگر این که خیابان باجک فعلی، همین نام را داشته است. کما اینکه نام های بعدی نیز در تداول عموم نتوانست جایگزین آن شود. البته باجک نام باغی تاریخی بوده که در متن های قاجاری از آن به عنوان باغ باجک یاد آمده است. مرحوم حسین کریمان نیز در نقشه ای که در سال ۱۳۲۸ از شهر کشیده، موقعیت این باغ را مشخص کرده است. مرحوم فقیهی

در خصوص اقدامات زمان رضاه شاه در ادامه می گوید:

«همچنین مقابل در بزرگ مسجد امام را خراب کردند و تا آخر شهر ادامه دادند و خیابانی احداث کردند به نام بهروز».<sup>۱</sup>

این خیابان گویا به ترتیب، نام های باجک، بهروز، ششم بهمن و ۱۹ دی را به خود گرفته است، لیکن نام کهن باجک علیرغم رسمیت نداشتن، در بین مردم قم همچنان متداول است. او در جای دیگر، هنگام ذکر وضع کشاورزی در قم می گوید:

«دیگر باغ باجک است که به صورت باجیکه ذکر شده است. این باغ تا حدود پنجاه سال پیش باقی بوده و به تدریج تبدیل به خیابان و ساختمان شد. امروز خیابان باجک سابق که نام فعلی آن خیابان ۱۹ دی است از خیابان های آباد قم است»<sup>۲</sup>

### خیابان ارم

«(۳) خیابانی که از طرف جنوب باغ ملی در امتداد خیابان ارم تا سرای بناها به خیابان مقابل پل متصل گردیده به طول ۴۴۰ متر و به عرض ۲۲ متر است که در سال ۱۳۱۶ احداث گردیده»<sup>۳</sup>

از این مطلب دونکته عاید می شود یکی این که خیابان ارم قبل از ۱۳۱۷ ش احداث شده بوده است، کما اینکه عکس این خیابان خاکی در نزدیک حرم، در همین کتاب دیده می شود بنابراین قدمت نام نیز حداقل بر اساس سال نشر کتاب به دست می آید. بر اساس تحقیق میدانی، نگارنده این گونه دانسته، که خیابان ارم از سمت جنوب به طرف شمال باز شده است و آن موقع تا جنوب باغ ملی یعنی تا کنار شیخان فعلی (روبروی پاساژ کویتی ها) اجرا می شود و ادامه خیابان یعنی از شمال شیخان فعلی تا سه راه بازار قرار بوده است که در سال ۱۳۱۷ اجرا شود. دیگر این که باغ ملی در سال اخیر ناظر بر بوستان فعلی مجاور حرم تا شیخان بوده است. به این ترتیب باغ ملی بعدها از خیابان موسوم به دارالشفاء و در واقع ضلع شمالی

۱ قم دیروز و امروز، ۳۴.

۲ همان، ۱۵۴، تاریخ چاپ اول کتاب سال ۱۳۷۷ بوده است.

۳ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.



شیخان مجدد گسترش می‌یابد. قسمتی که در دوران ما تخریب و مجتمع تجاری غدیر جای آن ساخته شد. به عبارت بهتر، باغ ملی در دو قسمت جدا و در دو تاریخ مجزا اجرا شد. مرحوم فقیهی در مورد این خیابان می‌گوید: «این را فراموش کردم بنویسم که قبل از احداث خیابان های آذر و بهروز، در سمت مشرق قبرستان سابق، خیابانی از شمال به جنوب کشیده شد که از جلو گذرخان و در کوچک صحن تا آخر شهر ادامه دارد، به نام خیابان ارم. این خیابان مهمترین خیابان های قم و به راه شوسه اصفهان و کاشان منتهی می‌گردد»<sup>۱</sup>

چند نکته از این مطلب عاید می‌شود، از جمله این که خیابان کشی از مقابل حرم به طرف سه راه بازار فعلی، یعنی از جنوب به طرف شمال شروع می‌شود. عمر این خیابان از خیابان های آذر و باجک بیشتر است. منظور از راه کاشان مسیری بوده است در جنوب خیابان ارم که تا کنار صفا شهر فعلی ادامه داشته است و از آنجا به کاشان می‌رفته اند.

### میدان نو یا چهار راه بازار؟

«(۴) میدان جدیدی به طول ۸۵ متر و عرض ۶۰ متر در شمالی اتصالی به پل، احداث و شهرداری مشغول ساختمان است»<sup>۲</sup>

امر دایر است بین میدان نو و چهار راه بازار. طول و عرض چهار راه بازار فعلی از اندازه های بالا بیشتر و از اندازه های میدان نو در شرایط فعلی کمتر است. «شمالی اتصالی به پل» با شمال پل متفاوت و منظور از پل هم پل علیخانی است. مگر این که جهت غرب پل را شمال فرض کرده باشد که این امر در تحدید پلاکهای ثبتی سابقه دارد و نگارنده آن را دیده است. در این صورت منظور میدان نو است. اگر عبارت را این طور معنی کنیم، میدانی که در شمال به پل متصل می‌شود در این صورت باید ناظر بر چهار راه بازار دانست. با توجه به اندازه ها و عبارت مزبور ظاهراً میدان نو ترجیح دارد. در این حالت، زمان احداث میدان نو که سال ۱۳۱۷ باشد به دست می‌آید. البته به شرط آن که طرح در همان سال اجرا شده باشد. به هر حال باید با اسناد و مدارک دیگر موضوع مشخص شود.

۱ قم دیروز و امروز، ۳۴.

۲ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.



نمای قسمتی از دکاکین خیابان آستانه قبل از خرابی و درب ورودی قسمت  
شمال غربی شهرداری (راهنمای شهرداری قم، ۱۳۴۵، ص ۳۴)



تصویر احداث خیابان خاک فرج (در حریم حرم، ص ۱۸۴)



## خیابان ایستگاه

«(۵) خیابان ایستگاه که از پل تا ایستگاه به طول ۸۰۰ متر و به عرض ۲۶ متر احداث و ساخته شده در سال ۱۳۱۶ بوده است»<sup>۱</sup>

منظور خیابانی است که هم اکنون به نام «سپاه» از پل علیخانی (میدان نو/ شهید مطهری) تا ایستگاه راه آهن امتداد دارد. البته خیابان در غرب رودخانه است و نگارنده در این نوشته شرق قم را در نظر داشت.

## خیابان تهران (امام)

«(۶) خیابان طهران که از پل خارج شهر تا جاده سلطان آباد مستقیماً امتداد پیدا می کند در دست اقدام است به طول ۱۲۵ متر و به عرض ۲۶ متر خواهد بود»<sup>۲</sup>

این خیابان هم که در غرب رودخانه و شهر قرار دارد، آن زمان در محل تقریبی شرکت نفت ایران و انگلیس (محل پمپ بنزین خیابان امام) تا سه راه خورشید احداث می شود. از محل شرکت نفت تا میدان فرح، که سپس امام نامیده شد، را در سال ۱۳۴۸ ش ساختند و به مناسبت سفر فرح دیبا همسر پهلوی دوم، میدان به نام او نامگذاری شد. (روایت خانم اقدس کاظمی که در مراسم استقبال و افتتاح حضور داشته اند).

منظور از سلطان آباد، سلطان آباد عراق است که در زمان پهلوی اول با تصویب فرهنگستان زبان به اراک تغییر نام پیدا کرد.<sup>۳</sup> در متن های تاریخی دوره میانه اسلامی، مناطق مرکزی ایران، عراق یا عراق عجم در برابر عراق عرب نامیده می شد، کما اینکه کهن سالان قمی از عراق فعلی با عنوان عراق عرب یاد می کنند، حال آنکه به فرض مصر عرب نمی گویند.

منظور از عبارت «خارج شهر» و «بیرون دروازه» در این متن و متن های اواخر قاجار و لسان کهن سالان قمی، غرب پل علیخانی یعنی میدان نو تا سه راه حاج زینل یا میدان سعیدی فعلی است. خیابان تهران هم بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش، به نام خیابان امام نامگذاری شد.

۱ همان، ۱۳۶-۱۳۷.

۲ همان، ۱۳۶-۱۳۷.

۳ تاریخ نخستین فرهنگستان ایران، ۳۵۲-۳۵۳

## بیرون دروازه

«(۷) خیابان فعلی طهران که از پل شروع و به خیابان ردیف شماره ۷ [درست ردیف شماره ۶] متصل می شود، به طول ۵۴۰ متر و به عرض ۲۴ متر که آن نیز در دست اقدام است».<sup>۱</sup>

نگارنده از زبان قدیمی های قم عنوان بالا را انتخاب کرد. پدر و مرحومان عموهای او این قسمت را به لهجه قمی «بیرون درووزه / darvuze» می گفتند. این خیابان که حد فاصل پل علیخانی تا میدان سعیدی فعلی (سه راه حاج زینل) است، هم اکنون خیابان شهیدان پورزند نامگذاری کرده اند.<sup>۲</sup> این خیابان در نقشه مؤسسه جغرافیای سحاب در سال ۱۳۴۹ به نام خیابان مولوی معرفی شده است.

## خیابان چهارمندان

ما خیابانی به نام چهارمندان نداشتیم، بلکه محله ای به این نام وجود داشت که حدود آن پیشتر به نقل از مفلس قمی بیان شد.

در عکس هوایی سال ۱۳۳۴ اثری از خیابان چهار مردان دیده نمی شود، ولی در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ این خیابان اجرا شده است. بنابر این زمان احداث را باید بین این دو تاریخ بررسی کرد. یک از افراد محلی می گوید که مطالعات طرح در سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ آغاز و در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ خیابان احداث شد. وی می گوید در هنگام احداث خیابان، قسمتی از خانه ما که مجاور علی بن بابویه در ابتدای خیابان فعلی چهار مردان بود، خراب شد و به همین علت به کوچه آقا زاده نقل مکان کردیم.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب قسمت هایی از محلات کهن الوندیه و چهارمندان (تلفظ قمی: چارمندان) تا گنبد سبز (تلفظ قمی: گمبذ سبز) که گلزار شهدای فعلی باشد خراب، و خیابانی با نام محله قدیم چهارمندان به جای آن گشاده شد. گویا قدمت تلفظ قمی «چارمندان» طبق گزارش جناب هادی خالقی بر اساس اسنادی که در تایلند مربوط به شیخ احمد قمی یافت شده است، حداقل به زمان صفوی بر می گردد. در نقشه فروردین ماه ۱۳۴۹ مؤسسه سحاب از قم،

۱ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.

۲ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.

۳ روایت جناب محمد رشید زاده. روایت حاجیه خانم افشین نیز تقریباً این روایت مطابق است.



این خیابان بدون داشتن نام خاص به صورت خیابان جدید الاحداث معرفی شده است. این همان خیابانی است که حسین شهیدزاده (سفیر ایران در عراق در دههٔ چهل) که زادگاهش در این محل بوده است، در کتابش روزگاری در شور آباد از احداث آن انتقاد می‌کند.

### الوندیه و لب چال

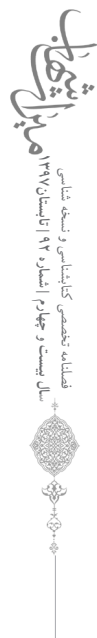
نگارنده به یاد می‌آورد که در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ که همزمان با دوران انقلاب اسلامی ایران بود، هنگامی که به خانهٔ دایی و خاله مادرش به محله الوندیه می‌رفت، می‌دید که در حد فاصل خیابان چهارمندان تا خیابان آذر، از طرف محله الوندیه، برای گشودن خیابانی - همانی که امروز ۴۵ متری عمار یاسر می‌گوییم - تخریب‌ها شروع شده بود.

آقای علی‌رضا دلشاد که در آن زمان‌ها ساکن محله الوندیه بود، شروع تخریب را از سال ۱۳۵۵ می‌داند و این که در سال ۱۳۵۷ آسفالت کاری خیابان جدید آغاز می‌شود. طبق گفتهٔ ایشان در این خیابان‌کشی قسمت‌هایی از بافت تاریخی و درهم تنیدهٔ شهر به شرح زیر تخریب شد:

کوچه‌های منشعب از «کوچه مسجد» (در تلفظ قمی: کوچه مَچِد / machched) که از مجاور مدرسه حاج ملا محمد صادق (تلفظ قمی: حاج مُل من / مم صادق) می‌گذشت و به سِتیّه (تلفظ قمی سیتیّه / sitiye، سِتیّه / setiye) می‌رسید. هم‌چنین کوچه‌های منشعب از گذر قاضی و گذر حاج شعبانعلی و راه‌های مواصلاتی به سِتیّه در این خیابان‌کشی دچار تخریب شد.

### حد فاصل خیابان حضرتی و آستانه

در اوایل دهه پنجاه پل بر روی رودخانه قم در مجاور پل علیخانی موسوم به پل شادمان کشیده شد که در ادامه خیابان حضرتی را بُرید و به خیابان آستانه رسید. حدفاصل این دو خیابان چند گاراژ بود، که نگارنده به یاد می‌آورد، پدر و عموهایش برای آمد و شد به این دو خیابان از آن‌ها استفاده می‌کردند. هم‌چنین به‌خوبی به یاد دارد که بعد از پایان افتتاح طرح استاندار وقت (گویا مرکزی)، به همراه تعدادی از مقامات از جمله فرماندار قم و شماری از ورزشکاران از جمله شعبان جعفری (معروف به شعبان بی‌مخ) و برادران میره‌ای، مسیر جدید





را برای افتتاح پیمودند و سپس با حضور مرحوم حاج آقا تقی کمالی (آخرین نسل از پهلوانان کهن) که بر روی ویلچر نشسته بود، در زورخانه نیرومند با مرشدی مرحوم سید ابراهیم اسحاقی در خیابان باجک به ورزش پرداختند.

این طرح آسیبی به بافت تاریخی وارد نکرد. بدین ترتیب در تخریب بافت تاریخی قم، کمترین آسیب ظاهرا مربوط به دوران پهلوی دوم است.

### عربستان بالا و پایین و باغ پنبه

در دهه شصت، طرحی که به نام عمار یاسر موسوم شده بود، از سمت شمال ادامه یافت؛ خیابانی که بعدا به نام ۵۵ متری عمار یاسر شناخته شد. در این طرح، کاروانسرای بزازها (که ابتدای آن برادران تکیه‌ای پالاندوزی داشتند و ما برای الاغ‌های گله‌هایمان از آنجا پالان می‌خریدیم)، قسمت‌هایی از محله شاه خراسان و عربستان بالا و پایین و باغ پنبه (در قسمتی که باغ شاه می‌نامیدند)، دچار تخریب شد. روشن‌تر قسمتی که گویا در آن مدرسه مستوفی سابق (نگارنده آن را به یاد می‌آورد) قرار داشت و هم‌چنین آن قسمت که باغ شاه می‌گفتند، در ادامه محله باغ پنبه، در بستر خیابان عمار یاسر افتاد. نام این باغ شاه در متن‌های تاریخی مربوط به قم دیده می‌شود.

### باغ ملی - خیابان آستانه - خیابان حضرتی - مقابر شیوخ

گفتیم در زمان پهلوی اول نخستین تخریب تاریخی شهر قم به وقوع پیوست. در آن زمان به جای قبرستان کهن و در قسمتی از مناطق اطراف، میدان و خیابانی به نام آستانه ایجاد شد. خیابان بالا که تا مدرسه دارالشفای ادامه می‌یافت، به نام خیابان حضرتی، تقریبا به حال خود باقی گذاشته شد. زورخانه کهن دژم در این خیابان و در نزدیکی همین مدرسه بود. از قبرستان کهن مقداری به نام «شیخان» و دو مقبره از شیوخ به نام‌های علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر قرآن و ابن قولویه به صورت جداگانه باقی ماند. در قسمتی از قبرستان، پارکی به نام باغ ملی ایجاد شد که دو مقبره اخیر در همین باغ قرار داشت. ضمن این‌که مکان بلدیة (شهرداری) و حکومت (فرمانداری) نیز در کنار آنها واقع شده بود.

این اقدامات با گذشت زمان به نوعی بافتی قدیمی را شکل داد. در طرحی که بالغ بر سه



دهه پیش شروع به اجرا شد، باغ ملی و ساختمان‌های شهرداری و فرمانداری دوره پهلوی اول که از لحاظ معماری آن زمان قابل ارزیابی بود، و در ادامه، خیابان آستانه - به جز اندکی - و هم‌چنین خیابان حضرتی به صورت کامل تخریب شد. به جای قسمتی از قبرستان کهن، در زیر پارکینگی بزرگ و در رو میدان وسیع کنونی اجرا شد.

مقبره علی ابن ابراهیم در وسط مجتمعی تجاری قرار گرفت که اطراف آن تا ارتفاع زیادی خالی شد و پس از این ظاهراً به صورت ستونی آن را در بالا استوار کرده و به شکل کنونی در آورده‌اند. مقبره ابن قولویه در کنار تعدادی از مقابر شهدای والامقام جنگ ایران و عراق گویا به همان شکل قدیم تا حدود ده سال پیش باقی بود که پس از تخریب به صورت آراسته کنونی در کنار مقابر شهدا در آمد. قسمتی از خیابان پایین یا ننه عباس بعدی نیز در این طرح تخریب و جزو میدان کنونی و مجتمع تجاری الغدیر قرار گرفت.

### بدو خانه و شاغال خون

طرح موسوم به عمار یاسر از قسمت جنوبی نیز ادامه یافت؛ در قسمتی که با طرح پر سرو صدای حرم تا حرم تلاقی پیدا کرد. در این طرح یکی از کهن‌ترین و بی‌نظیرترین قسمت‌های بافت تاریخی قم دچار تخریب شد. شایان گفت است در هنگام اجرای طرح، تپه‌ای باستانی موسوم به شادقلی خان (شاغال خون) کشف شد، که بنا به گفته جناب سیامک سرلک باستان‌شناس، گویا این تپه باستانی تنها تپه‌ای است، یا بهتر بگوییم بود در ایران که از هزاره‌های قبل از میلاد تا دوران اسلامی و قاجار و پهلوی زنده و دارای آثار بوده است.

تپه‌ای که به او وقت لازم را برای کاوشش ندادند و تنها فرصت کوتاهی - آن‌هم با التماس و خواهش - برای تفحص به او دادند و سپس بدون درنگ آن را برای همیشه - و به منظور ساختمانی بی‌ارزش و تجاری از نظر میراث دوستان و پول‌ساز از نظر کاسب‌کاران نوکیسه - از صفحه روزگار محو کردند.

سرلک این اظهارات را حدود پنج سال پیش با اشک و آه در بنیاد قم پژوهی اظهار کرد و تقاضا کرد هرکاری که از دستتان بر می‌آید انجام دهید.

در این طرح، تکیه مُل / ملا محمود، گذر و محله شادقلی خان / شاغال خون، کوچه های منشعب از گذر جدّا و گذر صادق و کوچه آخوندی ها و ته بدوخانه تخریب شد. میزان و محلات و کوچه ها و گذرهای تخریب شده، نیاز به بررسی دقیق اسناد و مدارک و پرونده های مربوط در دستگاه های ذی مدخل و مصاحبه با ساکنان مناطق تخریب شده و عکس های هوایی و ماهواره ای دارد.

### خیابان سمیه

در این طرح که گویا در دهه شصت اجرا شد قسمتی از دروازه قلعه، جای پیشین باروی شهر و کاج کهن سال قم از بین رفت.

### حرم تا حرم

طرحی که موسوم به حرم تا حرم بین خیابان ارم و مسجد جمکران در تقریباً در دو دهه اخیر اجرا شد، قسمت قابل توجهی از بافت تاریخی قم را دچار ویرانی کرد. قسمت هایی از محله قدیمی آستانه، قسمت هایی از محله کوچه حرم، ادامه معبری که بین گذر خان و محله یخچال قاضی بود و به بیت رهبر فقید انقلاب اسلامی ختم می شد، کوچه ارگ (با تلفظ قمی ارک) و گذر موسوم به حیدرزاده، قسمتی از محله شادقلی خان (شاغال خون)، قسمتی از قبرستان مالون (شاه احمد قاسم با تلفظ قمی شاه مدقاسم)، قسمتی از دروازه قلعه، جای پیشین باروی شهر، قسمتی از محله خندق (تلفظ قمی خندق) در این طرح نابود شد.

### چهار راه سجادیه و خیابان کشی طرفینی

در این طرح که هنوز به صورت کامل اجرا نشده، قسمت هایی از محله سیدان قدیم و پنجعلی و سفیداب (قمی: سفیداب) تخریب شده است. این طرح گویا از کنار مسجد مومنیه می گذرد. معاون شهرسازی و معماری شهرداری حسب گزارش ۹۷/۱۰/۳، به رسانه ها اعلام کرد این طرح با مخالفت کارشناسان به علت گسست بافت اجتماعی روبرو شده است. نگارنده هر زمان از این قسمت عبور می کند دچار افسوس و اندوه می شود و امید دارد اجرای طرح متوقف و بازآفرینی بر اساس بافت قدیم آغاز شود.



## دروازه ری

در این طرح که به صورت کامل اجرا نشده است، قسمت‌هایی از محله مسجد جامع (در گویش قمی مَجِد جُنْمه) و دروازه ری تخریب شده است. با این طرح، معبر کهن هزاران ساله قم - ری که از مسجد جامع به طرف شیخ اباصلت و دروازه ری و سپس به خارج شهر آن روزگار می‌رفت، از صفحه قم و نقشه شهر حذف می‌شود و تنها می‌توان در صفحات تاریخ نشانی از آن یافت.

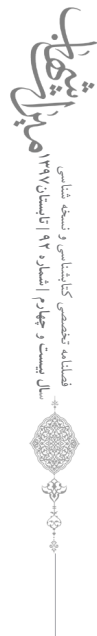
## حرم تا حرم (سید سربخش - چهل اختران)

در طرحی دیگر که گویا این هم موسوم به حرم تا حرم است، قسمتی از بافت کهن قدیم شامل محله موسویان قدیم و موسی مبرقع و چهل اختران امروز، تا سید سربخش از بین رفته است. این پرسش پیش می‌آید که اصولاً چه نیازی است که ما اتوبوس زائران محترم را تا پای امامزادگان ببریم؟ آیا نمی‌شود اتوبوس در جای دورتری بایستد و زائران گرامی اندکی از راه را پیاده بپیمایند و اگر کهن سال‌اند با وسایل دیگر همچون ویلچر یا ماشین‌های کوچک برقی به زیارت نائل شوند؟ آیا مناسبت ندارد و بهتر نیست در خصوص طرح‌های موسوم به حرم تا حرم که در بسیاری از مکان‌های کشور اجرا شده یا در حال اجرا است، قبل از اجرا از کارشناسان مربوط و مردم نظرخواهی شود؟

## عکس‌های هوایی

قدیمی‌ترین عکس هوایی موجود از شهر قم و پیرامون، عکس هوایی سال ۱۳۳۳ است و همچنین عکس ۱۳۳۴ ش که بسیار شفاف است. گفته می‌شود که عکس‌هایی هوایی قبل از این تاریخ به دست شرکت نفت انگلستان از منطقه برداشته شده و نگارنده نیز در جاهایی دیده است که بعضی از جهانگردان خارجی از طریق هواپیمای شخصی از قم عکسبرداری کرده‌اند. باید تفحص شود و عکس‌های هوایی قبل از این تاریخ گردآوری و در جایی معتبر نگهداری شود. این عکس‌ها برای کشف بسیاری از مجهولات قم به ما کمک می‌کند.

گفتنی است که توالی عکسبرداری هوایی از سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ به صورت ده ساله بوده است؛ یعنی عکس‌های بعدی به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۵۴ و ۱۳۶۴ است.



## نتیجه / پسانه

بررسی بافت تاریخی و کهن قم به عنوان تنها شهر اسلامی، که از آغاز، مهد تشیع و شیعه نشین بوده است و به عنوان یکی از معدود شهرهای جهان اسلام، و سپس تخریب آن نیاز به تحقیق مفصل و دقیق با رجوع به عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای، اسناد و مدارک از جمله عکس‌هایی تاریخی که از کالبد شهر از گذشته وجود دارد و متأسفانه تعداد آن بسیار کم است و هم چنین پرونده‌های موجود در دستگاه‌ها و ادارات مرتبط از جمله شهرداری و اداره ثبت اسناد و املاک و میراث فرهنگی، استانداری، اوقاف، مسکن و شهرسازی (راه و شهرسازی فعلی)، مجموعه‌های خصوصی، آرشیوهای خارجی، مصاحبه با افراد محلی و مطلع دارد و تا آن زمان گزارش کنونی صرفاً طرح موضوع باید تلقی شود.



دکان‌های پشت شهرداری قسمت شمالی قبل از خرابی و

احداث خیابان فرعی (راهنمای شهرداری قم ۱۳۴۵، ص ۳۶)

سخن این است که تصمیم گیرندگان و طراحان و اقدام کنندگان و تخریب گران و بهره‌مندان از این تخریب‌ها در بافت کهن و تاریخی، تا چه اندازه از تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و جامعه و هویت شهر قم و کلا پیشینه آن اطلاع و آگاهی داشته‌اند؟ نام و سمت تمام اشخاص در سوابق ادارات و دستگاه‌ها محفوظ است. یکی از شاخصه‌های اطلاع اشخاص از هویت و پیشینه شهر، مقالات و کتاب‌های پژوهشی است که منتشر می‌کنند و این تحقیقات مقبول جامعه علمی کشور واقع می‌شود و یا در عرف علمی مقبولیت می‌یابد. به راستی این اشخاص یا مشاوران آنها - که شهر قم را به چنین حال و روزی انداخته‌اند - چنین پژوهش‌هایی در حوزه شهر قم عرضه داشته‌اند؟

اگر هم در عرصه عملی در این حوزه - یعنی عرصه میراثی و هویتی و تاریخی - از سابقه مقبول و معتبر برخوردارند، یا به فرض، موفق به اخذ جوایز معتبر داخلی یا خارجی شده‌اند، طبیعتاً باید اعلام شود و یا آنها را در کتابخانه‌ها و یا بازار کتاب ببینیم.

اگر تصمیم گیرندگان و اقدام کنندگان، نه در زمینه علمی و نه در عرصه عملی - مرتبط با موضوع به شرح فوق - واجد کارنامه معتبر نیستند، قاعدتاً و اصولاً و منطقاً و عقلاً نباید اقدامی می‌کرده‌اند و اگر هم کرده‌اند، به نظر نگارنده بنا به همین دلایل باید نامقبول و مردود تلقی شود. آیا ما با شکستن کالبد و ظرف تاریخی و هویتی شهر، موجب گسست اجتماعی و فرهنگی و تاریخی و حتی مذهبی نشده‌ایم؟ آیا ناهنجاری‌های شهر را زیادت‌ر و هویت خود را نابود یا کم رنگ نکرده‌ایم؟ اگر پاسخ مثبت است، به خود آیینم تا مصداق «خود گوئیم و خود خندیم و خود مرد هنرمندیم» نباشیم.

این مطلب به منزله مخالفت نگارنده با پیشرفت یا تکامل شهر - به معنای واقعی و علمی و به صورت متوازن و بهنجار - نیست که آن جای و تعریف خود را دارد.

فرجام سخن این که گفتار «میدان نواز دیرینه زمان تا این دوران» که در شماره پیش چاپ شد و گفتار حاضر را ممکن است - نه به عنوان پژوهشی علمی بلکه - طرحی کلی برای تدوین تاریخ شهرسازی در قم تلقی کرد. طرحی که نیاز به اصلاحات جدی و تکمیل دارد.

\*\*\*

- انوارالمشعشعین فی بیان حالات الرؤاه القمیّین، محمد علی بن حسین نائینی اردستانی  
 کچوئی قمی (مورخ ۱۳۳۵ق) تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، اشراف: سید محمد مرعشی  
 نجفی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، جلد دوم، ۱۳۸۱
- برگی از تاریخ قم (اسناد و مکاتبات مربوط به تاریخ ایران و قم)، تحقیق: الیاس محمد  
 بیگی، آستانه مقدسه قم، قم، ۱۳۸۹
- تاریخ نخستین فرهنگستان ایران، محسن روستایی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵
- تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم، علی اکبر فیض، تصحیح دکتر علیرضا فولادی،  
 بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۳
- راهنمای قم، علی اکبر برقی، آستانه قم، قم، ۱۳۱۷
- روزگاری در شور آباد، حسین شهید زاده (با نام مستعار ح.ش. شور آبادی)، نشر البرز،  
 تهران، ۱۳۷۷ (چاپ اول ۱۳۶۹)
- سفرهای ناصرالدین شاه به قم، به کوشش فاطمه قاضیها، سازمان اسناد ملی ایران، تهران،  
 ۱۳۸۱
- عبور از صحاری ایران، آلفونس گابریل، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، انتشارات آستان  
 قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱
- علی آباد نامه (سفرنامه ذهابیه قم)، محمد کاظم خان کاشانی، به کوشش مدرسی  
 طباطبایی، چاپ شده در ملحقات تاریخ دارالایمان قم، بی جا، بی تا (احتمال در اوایل دهه  
 پنجاه)، بی نا
- قم دیروز و امروز، علی اصغر فقیهی، بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۰
- کتابفروشی (یاد نمای بابک افشار)، به خواستاری ایرج افشار، شهاب ثاقب، تهران، ۱۳۸۳
- گنجینه آثار قم، عباس فیض، جلد دوم، چاپ مهر استوار قم، قم، ۱۳۵۱

